

گفت‌وگویی ما درباره روندهای تحولی جاری در نظام بین‌الملل است. می‌خواهیم ببینیم که اولاً جهت این تحولات به کدام سو است و ثانیاً جایگاه ایران در این نظم در حال ظهور را چگونه ارزیابی می‌کنید؛ به عبارت روشن‌تر، به نظر شما چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در جهان آینده برای ایران وجود دارد؟ وقتی از روندهای تحولی صحبت می‌کنیم به طور مشخص مجموعه رخدادهایی را در نظر داریم که از بحران مالی ۲۰۰۸ آغاز شد، با بحران جهانی کرونا به نقطه بی‌سابقه‌ای رسید و هم‌اکنون در چند جهت متعارض - از جنگ اوکراین تا مناقشه تایوان و ابتکار راه ابریشم نوین و در مقابل، ابتکار «گروه ۷» برای سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در کشورهای آسیب‌پذیر - در جریان است. به نظر مناسب است که در ابتدا مروری به نظرات شما درباره مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل داشته باشیم.

حسین سلیمی: ما دست‌کم روی چند موضوع با دکتر متقی، تفاوت دیدگاه نداریم. یکی در اینکه وضع حاکم بر روابط بین‌الملل، وضع آنارشیک است و هائیرشیک و سلسله‌مراتبی نیست، اما زاویه دید و پاسخ من به این پرسش که آنارشی چیست، تا حدی با دیدگاه دکتر متقی متفاوت است، ولی در اینکه روابط جهانی، منطبق آنارشیک دارد و نمی‌تواند هم‌جز این باشد، تفاوت نظری نداریم. دیگر اینکه روابط بین‌الملل یک منطق سیستماتیک دارد. اهالی دانش روابط بین‌الملل - البته کنشگران معمولاً این‌گونه نیستند - مجموعه سیاست جهانی را به منزله یک «سیستم» می‌فهمند نه روابط و کنش دوه‌دوی کشورها.

ظاهراً بین آنارشیک بودن و سیستماتیک بودن سیاست جهانی تعارضی در کار است!

حسین سلیمی: نه، به هیچ وجه. سیستماتیک بودن یعنی در روابط بین دولت‌ها اقتدار مرکزی وجود ندارد، اما نظامی برقرار است و در عرصه عمومی ساختارهایی کار می‌کنند. در عرصه بین‌المللی وضعیت درهم‌ریختگی و هرج‌ومرج هم حاکم نیست. در واقع قدرت فائده‌ای وجود ندارد، اما هرج‌ومرج هم نیست. آنارشی، یکی از ساختارهای سیستم بین‌المللی است، مثل موازنه قوا که یکی دیگر از ساختارهای این سیستم است. یعنی دنیای روابط بین‌الملل آنارشیک است، ولی به هم‌ریخته و هرج‌ومرج نیست. کسی که سیاست جهانی را یک سیستم می‌بیند، می‌داند که دنیای سیاست، دنیای روابط دوه‌دو نیست، بلکه یک کلیت به هم پیوسته است. بعضی از سیاست‌مداران - در همه جای دنیا - دقیقاً چون از تحولات

حسین سلیمی:
ابزارهای قدرت
مادی در درون
ساختارهای ذهنی
و ادراک جاری در
عرصه بین‌المللی
معنا می‌گیرند و
امکان تأثیرگذاری
دارند؛ بنابراین
ابزارهای مادی
قدرت مهم‌اند، اما در
درون نظام آگاهی
کشورها معنی
می‌گیرند و مؤثر
واقع می‌شوند. اگر
کشوری ابزار قدرت
داشته باشد، اما در
نگاه و ادراک دیگران
موجب تبعیت
کشورهای دیگر از
او نشود، آن ابزارها
بی‌فایده خواهد بود.